



**فاطمه بریماتی**  
خبرنگار گروه جهان‌شهر

نهاد دانشگاه در آمریکا طی دو هفته گذشته دست به یک خیزش زده است. به لحاظ پوشش خبری و تصاویر منتشر شده این تحولات یادآور خاطرات تظاهرات علیه جنگ ویتنام - دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰- و جنبش اشغال وال‌استریت - دهه ۲۰۱۰- هستند. تظاهرات ضد جنگ ویتنام به دلیل تاثیر کشته‌شدگان آمریکایی بر جامعه این کشور دارای گستردگی بالایی بود و جنبش اشغال وال‌استریت تنها اقلیتی جسور به همراه خود داشت. عمق و محل خیزش کنونی در آمریکا تفاوت‌هایی با نمونه‌های قبلی دارد. اعتراضات برخاسته از نهاد دانشگاه علیه جنایت‌های رژیم هر چند گستردگی اجتماعی کمتری نسبت به اعتراضات جنگ ویتنام دارد، اما با توجه به تاثیرات غیرمستقیمی که جامعه آمریکا از جنگ غزه می‌پذیرد، قابل توجه است. جامعه آمریکا بدون آنکه کشته‌ای در جنگ غزه بدهد، علیه آن خیزش کرده است.

از سوی دیگر خیزش نهاد دانشگاه علیه صهیونیسم تنها یک بخش ارتقا یافته از اعتراض علیه جنایت‌های رژیم است که ماه‌هاست خیابان‌ها در کشورهای غربی را خالی از تظاهرات نگذاشته است. از این رو نباید تنها خیزش دانشگاه علیه صهیونیست‌ها را با تظاهرات جنگ ویتنام مقایسه کرد، بلکه باید کلیت اعتراضات ۷ ماه گذشته را با آن در یک قاب گذاشت. شاخه دانشگاهی موج اعتراضات علیه صهیونیسم، امروز پیشروتر از بقیه بخش‌ها بوده و پرچمدار آن است.

در مقایسه با جنبش اشغال وال‌استریت نیز نکات برجسته‌ای وجود دارد. جنبش کنونی به نسبت جنبش اشغال وال‌استریت خواسته‌ها و اهداف روشن‌تر، قابل دسترس‌تر و قابل اثبات‌تری دارد؛ درحالی‌که جنبش اشغال وال‌استریت دیدگاه‌های نامتعارف و غیرملموسی درباره نظام سیاسی غرب داشت. این دیدگاه‌ها هرچند در نگاه کارشناسی و با عینک برخی اندیشمندان می‌توانست درست باشد اما از نگاه اکثریت جامعه بیشتر شبیه تئوری‌های توطئه بود. به همین جهت نیز نتوانست از حلقه چپ‌گرایان جوان که ریشه‌ای کوتاه در دانشگاه داشتند، فراتر برود. مقایسه جنبش ضد صهیونیستی دانشگاه‌های آمریکا با تظاهرات ضد جنگ ویتنام و جنبش وال‌استریت منشأ ترس مقامات نزدیک به صهیونیسم از این پدیده را آشکار می‌کند. به همین دلیل است که زنجیره‌ای از مایک جانسون رئیس جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان آمریکا تا دونالد ترامپ رئیس جمهور اسبق این کشور و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی علیه آن موضع‌گیری کرده‌اند.

مایک جانسون که به عنوان پلیس چماق‌دار صهیونیسم در فضای آمریکا عمل می‌کند برای مقابله با خیزش دانشگاه خرد کت را به تن کرده و به محیط دانشگاه رفته است. جانسون در ماه‌های اخیر مدتی را در درگیری با دولت آمریکا گذراند که تحت فشارها و برخی مصالح درصدد اعمال فشار علیه دولت نتانیاهو بود و انتقادهایی را روانه تل‌آویو می‌کرد. او در روزهای اخیر نیز به مخالفت با تلاش وزارت‌خارج‌ه آمریکا برای تحریم یک‌گردان افراطی ارتش رژیم صهیونیستی که در کرانه با ختری مستقر است، پرداخته بود. رئیس مجلس نمایندگان باوجود دلمشغولی‌های مهمش در عرصه سیاسی‌که محیط اصلی فعالیت وی است، مجبور شده براساس خواست لابی صهیونیسم راهی

معترضان در دانشگاه‌های آمریکا چه هویتی دارند؟ فواد ایزدی و هادی خسروشاهین پاسخ می‌دهند

# جامعه‌شناسی جنبش دانشجویی ۷ اکتبر

عده‌های اعلامی رسانه‌های جریان اصلی آمریکا باشند.

برای بررسی اوضاع پیرامون اعتراضات ضد صهیونیستی در نهاد دانشگاه آمریکا به سراغ فواد ایزدی، عضو هیات علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران و هادی خسروشاهین، کارشناس مسائل آمریکا رفته‌ایم. فواد ایزدی می‌گوید ممکن است رسانه‌های غربی با فضاسازی درصدد تخریب اعتراض نهاد دانشگاه در آمریکا باشند اما این مساله تغییری در ماهیت کار ایجاد نمی‌کند. این کارشناس مسائل آمریکا تبلیغ رسانه‌های جریان اصلی دربراره خارجی بودن معترضان را رد کرده و تاکید می‌کند آنها به خاطر آمریکایی بودن بیشتر از دیگران احساس وظیفه می‌کنند.

هادی خسروشاهین نیز اعتراض نهاد دانشگاه را یکی از نشانه‌های بروز اعتراضات هویتی در جامعه آمریکا می‌داند. خسروشاهین معتقد است اینکه اعتراضات اخیر در آمریکا بالاگرفته، تاووم پیدا کرده و درعین حال سیاست داخلی را به چالش کشیده است، در این قالب قابل تحلیل است. در ادامه، گفت‌وگو با این دو کارشناس مسائل آمریکا را می‌خوانید.

**فواد ایزدی، عضو هیات علمی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران:**

### معترضان خارجی نیستند



**جمعیت دانشگاهی معترض به سیاست‌های آمریکا در خصوص جنگ غزه و ایده‌ای که حول محور آن اعتراضات خود را ساماندهی می‌کنند را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**  
معترضان غالباً دانشجویان جوان هستند که تصاویر منتشر شده از جنگ غزه آنها را ناراحت کرده است. این عده به دولت آمریکا اعتراض دارند که چرا از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کند. اعتراض دیگر آنها معطوف به دانشگاه محل فعالیت‌شان است. معترضان به همکاری دانشگاه‌های خود با رژیم صهیونیستی اشکال وارد کرده‌اند. دانشگاهیان خواهان توقف این همکاری‌ها، حمایت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها هستند. عموم این افراد هم دانشجوی هستند. افرادی که بازداشت شدند نیز از رشته‌های مختلف بوده‌اند. وقتی دانشجویان تصاویر منتشر شده از نسل‌کشی غزه را می‌بینند، حول یک ایده محوری جمع می‌شوند و این ایده مقابله با سیاست‌های آمریکا و عملکرد دانشگاه خودشان در ارتباط با رژیم صهیونیستی است. این ایده آنها را متحد کرده است. بی شک ایده محوری شکل‌گرفته قدرتمند است؛ برای همین هم با وجود تهدید به اخراج از دانشگاه همچنان به تحصن و تظاهرات ادامه می‌دهند. این اعتراضات برای شرکت‌کنندگان هزینه دارد. از جهت دیگر، بسیاری از این دانشگاه‌ها، دانشگاه‌های گرانی هستند. ورود به این دانشگاه‌ها سخت است اما دانشجویان حاضرند همه اینها و خودشان را در خطر بیندازند ولی از ایده خود دفاع کنند.

**طبق گفته رسانه‌های غربی معترضان بیشتر مسلمان و یا از خارجی‌ها هستند. این موضوع چگونه قابل تحلیل است؟**  
شمالاًرم نیست مسلمان باشید و یادر طیف چپ باشید تا در این تظاهرات شرکت کنید. تنها انسانیت کافی است تا با دیدن این تصاویر در اعتراضات شرکت کنید. ممکن است رسانه‌های غربی این اتفاقات را تخریب بکنند اما این مساله تغییری در ماهیت کار ایجاد نمی‌کند. اگر هم درصدی از این جمعیت مسلمان باشند باید بدانیم که مهاجرنیستند. دانشجویان خارجی به این دلیل که ممکن است از آمریکا اخراج شوند، معمولاً در اعتراضات شرکت نمی‌کنند. چه در میان معترضان مسلمانان باشند و چه نباشند باید بدانیم که این افراد شهروندان آمریکایی هستند. به خاطر آمریکایی بودن است که وظیفه مضاعفی حس می‌کنند.

**هادی خسروشاهین، کارشناس مسائل آمریکا:**

### اعتراضات بخشی از منازعه هویتی در آمریکاست

**منشأ اتفاقاتی که در دانشگاه‌های غرب رخ داده را در چه مسائلی می‌بینید؟**

براساس نظریه فرانسیس فوکویاما در آخرین اثرش که با عنوان کتاب هوت منتشر شد، تقریباً شواهد متقنی - به ویژه بعد از نوامبر ۲۰۱۶- وجود دارد که آمریکا وارد عصر منازعات هویتی شده است. دلایل متعددی برای ظهور و بروز این منازعات هویتی وجود دارد. شاید مهم‌ترین دلیل بروز این منازعات به برخی از آسیب‌هایی که در لیبرال دموکراسی‌های غربی وجود دارد بازگردد. فوکویاما بر وجود این آسیب‌ها تاکید دارد و برخی از اساتید دانشگاه‌ها و اکادمی‌های آمریکا نیز در سالیان اخیر روی این مساله که «علت زوال نظم سیاسی در کشورهای غربی چیست اکار کرده‌اند.

اگر درگذشته مفروضه این بود که لیبرال دموکراسی‌ها به خاطر فرآیند بازخورد مثبت و منفی و نگاه سیستمیک به نظام سیاسی دچار زوال و افول نمی‌شوند، فرضیات و تئوری‌های جدید بر این مساله تاکید می‌کند که لیبرال دموکراسی‌ها هم همچون گونه‌های دیگری از نظام‌های سیاسی دچار افول و زوال می‌شوند. به همین دلیل هم بحث منازعات هویتی در جامعه آمریکا پیش آمده است. البته این منازعات هویتی به طور مشخص و روشنی در چیزی موسوم به جریان

اصلی، کمتر ردپایی پیدا می‌کند. یعنی جریان اصلی، این منازعات هویتی را کمتر بازنمایی می‌کند؛ به دلیل اینکه جریان اصلی بر مبنای علقه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی شکل‌گرفته که پیش از این نخبگان در حیطه‌های مختلف سیاسی، رسانه‌ای، اجتماعی و فرهنگی بر سر آن به اجماع نظر رسیده‌اند.

بنابراین جریان اصلی اساساً توانایی، امکان و یا اراده‌ای برای بازنمایی صدا‌های متفاوت، صدا‌هایی که در چهارچوب منازعات هویتی تعریف می‌شوند، ندارد. اینکه اعتراضات اخیر در آمریکا بالاگرفته، تاووم پیدا کرده و در عین حال سیاست داخلی را به چالش کشیده است، در این قالب قابل تحلیل است. بر خلاف سایر مقولات در سیاست خارجی، معمولاً در سیاست داخلی آمریکا اینچنین مسائلی کمتر بازتاب پیدا می‌کنند. اما مساله نسل‌کشی در غزه بالاخره توانسته است سیاست داخلی را مورد چالش قرار دهد. از این حیث می‌توان این پدیده را بخش و یا یکی از نمودهای ورود آمریکا به عصر منازعات هویتی دانست. منازعه هویتی در واقع بین دو جریان تقریباً اصلی وجود دارد. یک جریانی که طرفدار حفظ هیمنه و حاکمیت سفیدان آمریکایی و بازگشت به آمریکای اصیل و تاریخی است؛ آمریکایی که در آن تنوع قومیتی و ماهیتی چندملیتی وجود نداشت. در مقابل جریان دیگری قرار دارد که احساس می‌کند در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی مطالبات و انتظاراتش بازناب پیدا نمی‌کند. به طور مثال و به طور مشخص در عرصه سیاست خارجی، موضوع حمایت یکجانبه آمریکا از رژیم صهیونیستی را مطابق با منافع ملی، منافع مردم آمریکا و یا مالیات‌دهندگان آمریکایی نمی‌بیند. این جریان طبیعتاً مقابل جریان اول قرار می‌گیرد.

باید به این هم توجه داشت که وقتی می‌گوییم منازعات هویتی منظور این است که بر سر هنجارها و ارزش‌های برآمده از انقلاب آمریکا و اعلامیه استقلال آمریکا اختلافاتی در درون این کشور به وجود آمده است. وقتی در مورد منازعه هویتی صحبت می‌کنیم، بر این مساله تاکید می‌کنیم که اختلافات و ستیزش‌ها از سطح ستیزش‌ها بر حوزه سیاست‌گذاری و سیاست فراتر رفته و به عرصه بنیادها و مبانی انتقال و اشاعه پیدا کرده است. از این حیث منازعه هویتی که بین دو گروه در جریان است، منازعه برای به رسمیت شناخته شدن است؛ برای اینکه صدای یکی از طیف‌ها و یا هر دو طیف این منازعه هویتی توسط جریان اصلی چه در حوزه رسانه‌ای و چه حوزه سیاسی بازناب و انعکاس پیدا کنند.

به این دلیل که منازعه بر سر بنیادها و اصول است، خود به خود این منازعه جنبه خشونت‌آمیز هم پیدا می‌کند. در انتخابات آمریکا در سال نوامبر ۲۰۲۰ برخی نظرسنجی‌ها حکایت از این داشت که هر دو طیف چه طرفداران بایدن یا

**وزیردفاع آمریکا ادعا کرده ایران باید کارایی تسلیحات خود را بازبینی کند**

### آستین خالی



**سیدمهدی طالبی**  
دبیرگروه جهان‌شهر

لوید آستین وزیر دفاع آمریکا ست و برای ایران نیز دل می‌سوزاند. وزیر دفاع آمریکا در یک ناپرهیزی بی سابقه در سیاست این کشور، برای نخستین بار طی پنج دهه اخیر به ایران توصیه کرده سلاح‌های بهتری بسازد. آستین روز جمعه اعلام کرد تهران پس از حمله‌ای که او آن را «نافرجام» می‌داند، باید کارایی سامانه‌های تسلیحاتی خود را مورد پرسش قرار داده و بازبینی کند. آستین به این مساله در خلال سوال خبرنگاران درخصوص عملیات ۲۵ و ۲۶ فروردین پرداخته است؛ عملیاتی که ایران به دنبال حمله ۱۲ فروردین رژیم صهیونیستی علیه سفارت ایران در دمشق ترتیب داده و سرزمین‌های اشغالی را مورد هدف قرار داد. آستین در پاسخ به سوال خبرنگاران درباره آنکه حمله ایران به اسرائیل در اوایل ماه جاری چه نکاتی برای آموختن داشت، تاکید کرد: «خیلی چیزها آموخته شده است.» او در ادامه سمت و سوی آموختن را به ایران سوق داده و گفته ایرانی‌ها باید بیاموزند سیستم‌های تسلیحاتی‌شان آن‌طور که تبلیغ می‌شود کار نمی‌کند. وزیر دفاع آمریکا ادعا کرده ایران در عملیاتش از سلاح‌های زیادی استفاده کرد تا خسارت‌های قابل توجهی در رژیم صهیونیستی ایجاد کند اما هیچ‌کدام از آنها کارساز نبود. این ادعا در شرایطی انجام می‌شود که ایران از همان ابتدا اعلام کرد نه با هدف ایجاد جنگ، بلکه با هدف تنبیه رژیم صهیونیستی تنها به دو پایگاه صهیونیست‌ها یکی در جنوب- پایگاه هوایی نواتیم- و یکی در شمال- پایگاه جاسوسی و اطلاعاتی جبل‌الشیخ- حمله کرده و نقاطی در این دو پایگاه را که با حمله ۱۲ فروردین علیه سفارت ایران در دمشق موثر بوده‌اند، منهدم کرده است. وزیر دفاع آمریکا با مبنای قرار دادن موضوعی غیرواقعی، یعنی تلاش ایران برای ایجاد خسارت‌های بزرگ در رژیم که به معنای تاش ایران برای حمله به زیرساخت‌ها و غیرنظامیان بوده، سعی کرده فضایی خیالی بسازد تا مخاطب با قیاس آن با اهداف واقعی حمله ایران ابعاد عملیات تهران را کوچک ببیند. مقامات آمریکایی اما در محاسبات خود یک چیز را نادیده می‌گیرند. آنچه بزرگی عملیات ایران را تأیید کرده منحصر به اعلامیه تهران و تصاویر منتشرشده نیست بلکه تلاش مداوم و شش ساعته غرب برای جلوگیری از این حملات در موقعیت دفاعی یوزده ضرب شست ایران را آشکار کرد. بنابر اعلام رسمی غرب سه کشور آمریکا، فرانسه و انگلیس در فضای مابین ایران و فلسطین اشغالی که یک هزار کیلومتر طول دارد تلاش کردند با زنجیره‌ای از سامانه‌های پدافند هوایی زمین پایه و هوایابه با حملات ایران مقابله کنند. از سوی دیگر ده‌ها کشور فعالیت گسترده سیاسی، فنی و اطلاعاتی غرب برای نجات رژیم را از نزدیک لمس کرده‌اند. مقامات آمریکایی از جو بایدن تا آستین که با اظهارات خود عملیات ایران را به‌طور کامل شکست خورده معرفی کرده‌اند، تنها فریاد ناتوانی است نه عملیات روانی. اظهارات غیرواقعی مقامات آمریکایی اگر برای تحت تاثیر قرار دادن فضای افکار عمومی صورت می‌گیرد، با توجه به آنکه اکثر افکار عمومی جهان مدافع فلسطین بوده‌ناموفق است. آنها از پرتاب سنگ و لنگه کشش به سمت رژیم نیز حمایت می‌کنند چه رسد به موشک و پهپاد. اگر هدف مقامات آمریکایی تاثیرگذاری بر فضای سیاسی و بازار تسلیحاتی باشد، دولت‌هایی که با سلاح سروکار دارند و دست‌شان به ماشه است، از ابعاد ماجرا خبر دارند.

#### نکات

- تقریباً یک ده قبل همه فشار و شعار غرب روی این مساله متمرکز بود که کشوری به ایران سلاح نفروشد. امروز در شرایطی که تسلیحات ایرانی بازار خوبی پیدا کرده‌اند، غرب درخواست می‌کند دولتی از تهران سلاح نخرد. این تغییر شعار در مدت زمان تقریبی یک دهه خود به تنهایی برای تکذیب اظهارات مقامات آمریکایی کافی است.
- براساس ادعای خود رسانه‌های غربی تسلیحاتی که گفته می‌شود ساخت ایران هستند در چند اکتراکریان موفق شده‌اند به قلعه سامانه‌های پدافند هوایی اوکراین وارد شوند. در وضعیتی که بنابر ادعای غرب یک جنگ سه‌ساله در اوکراین عرصه شکوفایی تسلیحات ایرانی بوده است، تکذیب کارایی آنها علیه رژیم‌آن هم در بزرگ‌ترین عملیات ترکیبی موشکی و پهپادی غیرقابل باور است.
- خریداران سلاح، قاضی‌های خوبی برای تعیین برنده «تسلحاتی» عملیات ایران علیه رژیم هستند. به اذعان رسانه‌ها و به نقل از منابع آگاه، خریداران سلاح پس از عملیات در تهران صف کشیده‌اند.
- غرب پس از عملیات ایران دست به تحریم مسیرهای تأمین قطعات لازم برای ساخت آنها نهاده است. تحریم و اختصاص زمان و وقت برای شناسایی مسیرهای تأمین قطعات صنعت تسلیحاتی ایران وقتی سلاح‌های خوبی نمی‌سازد و آمریکا و رژیم ۹۹ درصد آن را می‌زنند، لازم است؟
- دو هفته از عملیات ایران می‌گذرد اما عملیات روانی آمریکا علیه این عملیات به اتمام نرسیده است. این مساله نشان‌دهنده موثر بودن عملیات است نه بی‌اهمیت بودن تسلیحات به کاررفته.
- کار آمریکا‌با به جایی رسیده است که با رئیس جمهور و وزیر دفاع خود در حوزه روانی علیه دستگاه نظامی ایران عملیات می‌کند.

